

اول ماه مه، پیشرفت‌های نسبی و تلاش‌های آتی

امسال نیز طبقه کارگر ایران در شرایطی به استقبال اول ماه مه رفت که تهاجم سرمایه و دولت آن علیه کارگران و سطح معیشت کارگری، فقر و گرسنگی در صفوف میلیون‌ها کارگر و خانواده‌های کارگری را شدیدتر و گسترده‌تر ساخت. شورای عالی کار رژیم که علی‌رغم وزیر کار در راس آن است، با افزایش ۲۵ درصد حداقل دستمزد به جای ۳۵ درصد نرخ تورم رسمی اعلام شده حتما ضوابط قانونی و مصوب رژیم را هم زیر پا گذاشت و خیلی صریح و روشن به خواست سرمایه مبنی بر دور ریختن برخی محدودیت‌های قانونی برای استثمار شدیدتر و کسب سود بیشتر را لیبیک گفت. با حداقل دستمزد حدود ۶۰۹ هزار تومان که به زحمت می‌توان هزینه‌ها را یک هفته خانوار ۴ نفره کارگری را با آن تامین نمود، دولت روحانی، زندگی فلاکت‌بارتر و تنگ‌دستی‌کننده‌ای را بر کارگران تحمیل کرد. افزایش بیش از پیش قیمت‌ها و نرخ تورم بعد از تصمیم دولت به افزایش قیمت حامل‌های انرژی و اجرای فاز دوم آزادسازی قیمت‌ها، فقر و سیاه‌روزی در اردوی کارگران را تشدید کرده است. علی‌رغم وزیر کار، تنها یکی از مجموعه افرادی است که در کابینه روحانی متمرکز شده‌اند، راست‌ترین و بیرحم‌ترین جناح بورژوازی را نمایندگی می‌کنند و فعالانه سرگرم فراهم‌سازی و اجرای تمام آن شرایطی هستند که سرمایه، بی‌دغدغه تا آخرین قطره، خون کارگر را بمکد. پیشبرد سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال و اجرای بی‌کمی و کاست برنامه‌ها و نسخه‌های دیکته شده صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که به معنای دفاع سرسختانه و بی‌گذشت از منافع حداکثر سرمایه، صرفه‌جویی در هزینه تولید از جیب کارگر، تامین نیروی کار ارزان، تشدید بی‌حقوقی و بازستاندن دستاوردهای کارگران، دور ریختن و یا دور زدن موانع قانونی استثمار بی حد و حصر - از آن نمونه زیر گرفتن ماده ۴۱ قانون کار در مورد افزایش دستمزدهای حداقل و خارج ساختن ده‌ها هزار کارگر مناطق خرم‌شهر و آبادان از شمول قانون کار - همه و همه از اجزاء و ملزومات این سیاست‌هاست که در سرلوحه برنامه‌های کابینه روحانی است. کارگر خاموش و بی‌حقوق و سرکوب‌شده نیز جزء دیگر اجرای این سیاست‌هاست. بازداشت گسترده فعالان اعتصابات کارگری، محاکمه، زندان و اخراج این کارگران، تعقیب و پی‌گرد هر فعال کارگری و کارگر پیشرو و تحرک سازمان‌گرا در میان کارگران، تشدید انواع فشارها و محدودیت‌ها علیه تشکل‌های مستقل کارگری و تشکل‌های فعالان کارگری و بالاخره تشدید فشار و شکنجه کارگران زندانی از اجزاء دیگر اجرای همین سیاست‌هاست. در آستانه اول ماه مه، دستگاه اطلاعاتی و سرکوب رژیم، امسال زودتر از سال‌های پیش و گسترده‌تر از سال‌های پیش علیه فعالان شناخته شده کارگری هجوم برد و ده‌ها تن را در تهران و کردستان، احضار و بازداشت نمود. رژیم تمام تلاش خود را به کار بست تا کارگران و فعالان کارگری را از برگزاری مراسم‌های اول ماه مه منصرف سازد. مزدوران سرمایه، امسال مجهزتر و تدارک‌یافته‌تر از سال گذشته خود را آماده کرده بودند تا در اول ماه مه، هر جا پرچم اعتراضی برافراشته و صدای کارگری بلند شود، فوراً آن پرچم را به زیر کشند و صدا را در گلو خفه سازند.

در چنین شرایطی بود که طبقه کارگر ایران به استقبال اول ماه مه شتافت و برغم جو شدید پلیسی و سرکوب، مراسم‌هایی را در بزرگداشت اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) برگزار و به اشکال مختلفی همبستگی طبقاتی خود را با کارگران سراسر جهان در مبارزه علیه نظام سرمایه‌داری و برای ایجاد جامعه‌ای عاری از ستم و استثمار اعلام نمود.

مراسم‌های اول ماه مه

تهران - مهم‌ترین مراسم اول ماه مه در تهران، مراسمی بود که قرار بود توسط فعالان سندیکای کارگران شرکت واحد در پایانه اتوبوس‌رانی میدان آزادی برگزار شود. روز پنج‌شنبه یازده اردیبهشت، برابر با اول ماه مه روز جهانی کارگر، جمعی از رانندگان و اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه با حضور در پایانه میدان آزادی تصمیم داشتند برای بزرگداشت روز جهانی کارگر به توزیع گل و شیرینی در میان کارگران و راه‌پیمایی بپردازند. کارگران شرکت واحد با استفاده از این ابتکار عمل جالب که سال گذشته توانسته بودند مزدوران حکومتی را غافل‌گیر ساخته و

برجسته‌ترین و موثرترین مراسم اول ماه مه در تهران را برگزار نمایند، امسال اما با لشگری از نیروهای پلیس و ضدشورش و مزدوران لباس شخصی که پایانه میدان آزادی را به اشغال خود درآورده بودند روبرو شدند. برخی دیگر از مأمورین دستگاه جاسوسی و اطلاعاتی رژیم نیز که از قبل در محل حضور یافته بودند برای شناسایی و شکار فعالان کارگری و چپ در میان عابرین پرسه می‌زدند. تجمع رانندگان و اعضای سندیکای شرکت واحد، در همان آغاز مورد یورش اوباشان و نیروهای سرکوب رژیم قرار گرفت. در اثر این حمله وحشیانه، شماری از اجتماع‌کنندگان به شدت مضروب و دستکم ۲۳ تن از فعالان سندیکایی بازداشت و روانه زندان شدند. چند تن از رانندگان شرکت واحد در این پایانه نیز که در استقبال از اقدام همکاران خود اقدام به کف‌زدن کرده بودند نیز بازداشت شدند.

در تهران همچنین مراسم دیگری که قرار بود در برابر وزارت کار برگزار شود، به سرنوشت مشابهی دچار شد. اتحادیه آزاد کارگران ایران با فراخوان تجمع در برابر وزارت کار، تصمیم داشت به مناسبت روز کارگر، تجمعی در برابر وزارت کار برگزار نماید. نیروهای سرکوب و اطلاعاتی رژیم برای مقابله با این حرکت، نیمه‌شب دهم اردیبهشت با یک یورش وحشیانه به منازل چند تن از اعضای هیات مدیره این تشکل، ۲ تن از آن‌ها را بازداشت و روانه زندان ساخت. روز پنج‌شنبه یازده اردیبهشت وقتی که کارگران و فعالان کارگری برای تجمع به محل اعلام شده رفتند، با انبوهی از نیروهای ویژه ضدشورش، لباس شخصی روبرو شدند که نه فقط محل تجمع را به اشغال خود درآورده، بلکه تمام خیابان‌ها و کوچه‌های اطراف منتهی به وزارت کار را نیز قرق کرده بودند. گروه‌های چند نفره که به رغم این شرایط خود را به محل رسانده بودند، بیش از هرگونه اقدامی مورد یورش وحشیانه نیروهای سرکوب قرار گرفتند. مزدوران سرمایه ضمن ضرب و شتم تنی چند از حاضرین ۲ تن دیگر از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و هماهنگ‌کنندگان طومار اعتراضی چهل‌هزار نفری و شماری از کارگران را بازداشت و روانه زندان ساختند.

در کرج نیز مراسمی که قرار بود روز جمعه دوازده اردیبهشت توسط سندیکای کارگران فلزکار مکانیک و برخی گروه‌های کوه نوردی کارگری و فعالان کارگری در یک باغ خصوصی در منطقه برغان کرج برگزار شود، مورد یورش وحشیانه نیروهای سرکوب و مسلح رژیم قرار گرفت. نیروهای انتظامی و مزدوران لباس شخصی، با حمله به حاضرین در محل و ضرب و شتم آنان، شماری از آنان را بازداشت نمودند و سپس با پلمپ درب باغ، همه مراجعین به محل برگزاری مراسم را بازداشت نمودند. شایان ذکر است که در جاده برغان نیز وسایل نقلیه را مورد بازرسی قرار داده و هر کسی که عازم این محل بود بازداشت کردند. اتوبوس‌های حامل کارگران و خانواده‌های آن‌ها نیز که عازم محل برگزاری مراسم اول ماه مه بودند را متوقف ساخته و با اعمال خشونت و ضرب و شتم، اقدام به بازداشت آن‌ها نمودند. علی‌رغم این اقدامات وحشیانه، برخی از گروه‌های کوه نوردی استان تهران توانستند یک گلگشت کارگری با حضور ۱۵۰ نفر در منطقه برغان برگزار نمایند. در این گلگشت، کارگرانی از پارس خودرو، دختانیات، ایران تایر، سایپا، صنایع آموزش، مینا، بازنشستگان و گروه پرستو حضور داشتند. علاوه بر این‌ها مراسم هانی نیز در پارک چیتگر و دماوند به مناسبت اول ماه مه برگزار شد.

در ریوان جمعی از کارگران و فعالان کارگری، روز یازده اردیبهشت، با حضور در مناطق کارگری از جمله نانوايي‌ها، شهرک صنعتی کوره‌پزخانه و مرغداری‌ها، ضمن پخش شیرینی در میان کارگران و گفتگو با آن‌ها، به استقبال روز جهانی کارگر رفتند. همین روز تعدادی از فعالان کارگری شهرهای ریوان، پاوه و نودشه در منطقه اورامان گردهم آمدند و با اجرای سرود انترناسیونال و شعرخوانی و خواندن قطع‌نامه و پخش شیرینی در میان حاضرین روز اول ماه مه را گرامی داشتند.

در بانه نیز مراسمی توسط کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری با حضور تعدادی از زنان و مردان آزادی‌خواه و برابری‌طلب برگزار گردید. این مراسم با خواندن یک قطع‌نامه ۱۵ ماده‌ای و سپس صرف چای و شیرینی همراه بود. در پاوه جمعی از فعالان کارگری با حضور در میان کارگران سدداریان و قرنی، کارگران نانوايي و کارگران شهرداری و ادراه برق، ضمن گفتگو با کارگران و پخش شیرینی در میان آن‌ها، روز اول ماه مه را گرامی داشتند.

در کردستان اما برجسته‌ترین و موثرترین مراسم‌های اول ماه مه، در سقز و سنندج برگزار گردید که قدری مشروح‌تر به آن می‌پردازیم.

در شهر سقز فعالان کارگری از ماه‌ها قبل برای برگزاری مراسم اول ماه مه تدارک دیده و با شور و شوق خود را برای بزرگداشت روز جهانی کارگر آماده کرده بودند. رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی که بنابه تجربه سال‌های گذشته، از پی‌گیری فعالان کارگری این شهر برای برگزاری مراسم اول ماه مه باخیر بود، یک ماه قبل از اول ماه مه، کنترل امنیتی شدیدی را علیه این فعالان اعمال کرد. عوامل اطلاعاتی رژیم روز ۹ اردیبهشت از طریق تماس‌های تلفنی، ۷ تن از فعالان کارگری این شهر را تهدید نمودند که در اول ماه مه نباید هیچ‌گونه مراسمی نه در داخل شهر و نه در بیرون شهر برگزار نمایند، در غیراین صورت به شدیدترین شکل ممکن با آن‌ها برخورد خواهد شد! ۱۰ اردیبهشت، نیروهای اطلاعاتی رژیم ۳ فعال کارگری این شهر را احضار نمودند. رئیس اداره اطلاعات در حضور فرمان‌دار، با تهدید این فعالان و ایجاد فضای رعب، سعی کردند کارگران را از برگزاری مراسم منصرف سازند و حتی از آن‌ها خواسته شد که در مراسم دولتی شرکت کنند که با پاسخ منفی و دندان‌شکن فعالان کارگری روبرو گردیدند.

به رغم تهدید و ارباب و اعمال فشار علیه کارگران و فعالان کارگری که بخشاً به آن اشاره شد، آنان که قاطعانه تصمیم گرفته بودند مراسم اول ماه مه را در میدان جمهوری (هلو) که یکی از شلوغ‌ترین و پررفت و آمدترین میدان‌های این شهر است، برگزار نمایند، بر عزم خویش ایستادند. درخواست مجوز راه‌پیمایی که توسط برخی از کارگران مطرح شده بود، جایگاهی در میان فعالان کارگری و سازمان‌دهندگان مراسم اول ماه مه نداشت و فایده‌ای هم نداشت. چرا که جمهوری اسلامی بارها و بارها ثابت کرده بود که اجازه راه‌پیمایی و برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه را به کارگران و فعالان کارگری شهر سقز نمی‌دهد و نخواهد داد. وقتی که رژیم حتی به تشکل‌های دست‌ساز خود اجازه راه‌پیمایی نمی‌دهد و نداد، دیگر تکلیف فعالان کارگری و تشکل‌های مستقل آن‌ها معلوم است. مزدوران لباس شخصی، یک روز قبل از اول ماه مه منزل محمود صالحی را به محاصر و تحت کنترل درآورده و هرگونه ورود و خروج را زیر نظر خود گرفتند. روز یازده اردیبهشت، نیروهای مزدور و سرکوبگر از همان ساعات اولیه صبح، محمود صالحی و همراهان وی را که به منظور پخش گل و شیرینی بین کارگران نانوايي از خانه خارج شدند مورد آزار و تعقیب قرار دادند. آنان از قبل کارگران نانوايي را تهدید کرده بودند که با این فعال کارگری دیدار و گفتگو نکنند و از تحویل گل و شیرینی خودداری نمایند. اما تیرمزدوران به سنگ خورد چرا که کارگران از اقدام فعالان کارگری و پخش گل و شیرینی به گرمی استقبال نمودند. روز اول ماه مه شهر سقز به معنای واقعی کلمه به اشغال نیروهای امنیتی - اطلاعاتی و سرکوبگر درآمده بود. مزدوران رژیم از ترس کارگران و راه‌پیمایی اول ماه مه، تمام میادین، چهارراه‌ها و خیابان‌های بزرگ را تحت کنترل خود گرفته بودند و رسماً کارگران و عابریان را تهدید می‌کردند، چنانچه بخواهند مراسمی برگزار نمایند، دست به سرکوب آن‌ها خواهند زد و بخشا کارگران را حتی به مرگ نیز تهدید می‌کردند. به‌رغم تمام این تهدیدات و اقدامات ارباب‌گرانه، گروه‌های زیادی از کارگران و فعالان کارگری خود را به میدان جمهوری که تحت اشغال نیروهای مسلح و سرکوب‌گر رژیم درآمده بود رساندند. تعداد زیادی از کارگران و خانواده‌ها که از طریق پیامک (اس ام اس) از محل برگزاری مراسم مطلع شده بودند در این میدان و اطراف آن گردآمدند. به علت حضور سنگین نیروهای سرکوب در این میدان، کارگران در یکی از خیابان‌ها به سمت "سهرام جامعه" دست به راه‌پیمایی زدند و سپس با تجمع در این مکان، سخن‌رانی کوتاهی در مورد اول ماه مه به عمل آمد. همین شیوه یعنی راه‌پیمای و سپس تجمع و ایراد سخن‌رانی در چند نوبت و در چند نقطه دیگر هم تکرار شد. از جمله تجمع در میدان کارگران ساختمانی؛ تجمع در حوالی "آزمایشگاه مهر" تجمع در مقابل "سینمای انصاری" و تجمع در مقابل پاساژ آدمی" که محمود صالحی در برخی از این تجمعات به ایراد سخن‌رانی پرداخت. تجمع‌کنندگان مراسم روز جهانی کارگر در شهر سقز پس از یک ساعت و نیم، ضمن پخش شیرینی و شکلات، در میان شور و شوق حاضران به شکل راه‌پیمایی به طرف میدان "امام" حرکت کردند و در آن نقطه پایان تجمع و راه‌پیمایی را اعلام نمودند.

سنندج- در آستانه اول ماه مه، دستگاه پلیسی - امنیتی رژیم، در شهر سنندج نیز مانند سقز، جو پلیسی فوق‌العاده شدیدی را بر این شهر حاکم ساخت. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی تلاش کرد با اقدامات سرکوبگرانه‌ای مانند بازداشت و تشدید ارباب کارگران پیشرو و تشدید فشار بر فعالان و تشکل‌های کارگری، مانع برگزاری مراسم اول ماه مه شود. دستگاه سرکوب رژیم به این هم اکتفا نکرد درست صبح روز یازده اردیبهشت، یازده تن از فعالان کارگری و سیاسی این شهر را احضار و بازداشت نمود و تا ساعات پایانی روز، در بازداشت خود نگاهداشت. تعداد دیگری از فعالان کارگری نیز در لیست احضار شدگان قرار داشتند که رژیم موفق به بازداشت آن‌ها نشد. به‌رغم تمام این اقدامات سرکوبگرانه، صدها تن از کارگران و فعالان سیاسی و کارگری به محل تجمع و برگزاری مراسم که از قبل تعیین شده بود رفتند اما با انبوه عظیمی از نیروهای پلیس، گارد ویژه و مزدوران لباس شخصی روبرو شدند. برگزار کنندگان مراسم به اجبار محل تجمع را تغییر دادند. گرچه این جابجایی سبب شد که تعداد زیادی از کارگران نتوانند خود را به محل برگزاری مراسم برسانند، اما راهپیمایی کارگران از یکی از خیابان‌های کارگری این شهر به نام خیابان گلشن آغاز شد. شرکت‌کنندگان در مراسم در حین راهپیمایی با برافراشتن پوسترها و پلاکاردهایی، ضمن طرح مطالبات خود، با سردادن شعارهایی مانند: "نان، مسکن، آزادی"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد" دست به تظاهرات زدند. راهپیمایان پس از حدود پنج دقیقه مورد یورش نیروهای سرکوب رژیم قرار گرفته و متفرق شدند. در جریان این یورش نیز تعدادی از راهپیمایان مورد ضرب و شتم واقع گشته و سه تن از آنان دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل شدند.

در سنندج همچنین از مراسم دیگری که قرار بود توسط کارگران خباز برگزار شود، ممانعت به عمل آمد. عصر روز پنجشنبه یازده اردیبهشت، جمع کثیری از کارگران خباز به منظور برگزاری مراسم اول ماه مه در محل سندیکای خبازان حضور یافتند. این تجمع کارگری مورد یورش اوباشان و نیروهای اطلاعاتی و لباس شخصی قرار گرفت. گرچه کارگران در برابر مزدوران و خواست آن‌ها مبنی بر ترک محل دست به مقاومت زدند، اما نیروهای سرکوب و مسلح رژیم از برگزاری مراسم اول ماه مه، ممانعت به عمل آوردند.

کرمانشاه- در کارخانه نوشابه‌سازی زمزم کرمانشاه، جمع کثیری از کارگران روز پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت، با تجمع در محوطه کارخانه، پیرامون روز جهانی کارگر، تاریخچه اول ماه مه، اهمیت و جایگاه آن در طرح مطالبات کارگری، با یکدیگر به بحث و گفتگو پرداختند و با پخش شیرینی و شور و شادی این روز را گرامی داشتند.

زندان- در برخی سیاه‌چال‌ها و زندان‌های رژیم نیز مراسم‌هایی توسط فعالان کارگری و سیاسی زندان به مناسبت روز جهانی کارگر برگزار گردید که از جمله می‌توان به مراسم اول ماه مه در زندان اوین اشاره کرد. در مراسمی که از سوی فعالان کارگری بند ۳۵۰ زندان اوین برگزار شد، رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد سخنرانی کرد و همچنین یک نمایشنامه کارگری به اجرا درآمد. در پایان نیز با پخش قطعات نان بربری که در آب قند خیس کرده بودند، به همراه شربت آبلیمو در بین حاضرین، روز اول ماه مه را گرامی داشتند. در سالن ۱۲ بند ۴ زندان گوهردشت نیز مراسمی به مناسبت روز جهانی کارگر برگزار گردید. شاهرخ زمانی فعال کارگری زندانی، به قرانت مقاله پرداخت. مراسم با تیریک و سرود و شعر خوانی همراه بود. در زندان تبریز نیز مراسمی به مناسبت اول ماه مه برگزار گردید. تعدادی از زندانیان سیاسی زندان گوهردشت نیز با صدور بیانیه‌ای از مطالبات کارگران حمایت کردند.

مراسم‌هایی که فوقاً به آن اشاره شد، مراسم‌هایی است که خبرگزاری آن اینجا و آنجا پخش شده است. بی‌شک مراسم‌های زیاد دیگری نیز برگزار شده که خبر آن درجانی انتشار نیافته است.

شایان ذکر است که در اکثر قریب به اتفاق بیانیه‌ها و قطعنامه‌های اول ماه مه، از نظام سرمایه‌داری به عنوان مسبب اصلی فقر و فلاکت و نابسامانی وضعیت کارگران نام برده شده و راه برون رفت از وضعیت موجود نیز نابودی نظام سرمایه‌داری و استثمار شناخته شده است. کارگران ایران در بیانیه‌ها

و قطعنامه‌های خود، همچنین با کارگران کشورهای دیگر در سراسر جهان ابراز همبستگی نموده و از مبارزات آنان علیه نظام سرمایه‌داری حمایت به عمل آورده‌اند.

ناگفته نماند که یک مراسم نمایشی و باسمة ای توسط خانه کارگر رژیم در سالن دوازده هزار نفری ورزشگاه آزادی تهران نیز برگزار گردید. در این مراسم فقط افراد خاصی که از قبل دعوت‌نامه دریافت کرده بودند می‌توانستند شرکت کنند. در عین حال همین افراد نیز پس از چند بار بازرسی بدنی می‌توانستند وارد سالن شوند و حتا اجازه همراه داشتن تلفن همراه را هم نداشتند! علی‌ریبی وزیر کار و حسن روحانی رئیس‌جمهور رژیم در این مراسم سخن‌رانی کردند. آن‌ها اما جز حرف‌های کلی و بی‌مقدار و جز مشتی وعده دروغ‌چیزی نداشتند که تحویل حتا گماشتگان خود دهند. وزیر کار که به تازگی رسماً و علناً ۱۰ درصد حداقل دستمزد کارگران را سرقت و به حساب سرمایه‌داران واریز نمود، حرفی نداشت جز آنکه کارگران را به "قناعت" و زندگی در مادون فقر و امیدواری نسبت به معجزات دولت دعوت کند. اما روحانی حرف "حمایت" از کارگران را به میان کشید و از این سخن به میان آورد که "کارگران باید بتوانند از طریق تشکل‌های آزاد صدای خودشان را به مسئولین برسانند." حسن روحانی رئیس‌دولت، درست‌زمانی دهان بدین سخن‌ها می‌گشود که ارگان‌های سرکوب دولتی بردهان کارگران آگاه و فعالان کارگری در جلو وزارت کار، پایانه میدان آزادی، برغان کرج و خیابان‌های سندانج مشت می‌کوفتند و آن‌ها را در زیر مشت و لگد لت و پار می‌کردند. رئیس‌دولت جمهوری اسلامی از جمعیت‌های آزاد سخن می‌گوید در حالیکه حتا اقدام سمبلیک کارگران در گرامی‌داشت روز جهانی کارگر، یعنی توزیع گل و شیرینی در میان مردم را نیز تحمل نمی‌کند. وقاحت و بی‌شرمی از این بیشتر که در لحظاتی که گل‌های تهیه شده توسط فعالان سندیکای کارگران شرکت واحد برای اهداء به مردم، زیر سُم عناصر مسلح و اطلاعاتی و لباس شخصی وابسته به دستگاه حکومتی لگد کوب و پریپر و فعالان این سندیکا به‌طور وحشیانه‌ای مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند، رئیس‌جمهور این رژیم از "تشکل آزاد" سخن بگوید؟ حقیقتاً وقاحت و بی‌شرمی آخوند‌های عوام‌فریب و کارگزاران اسلام‌پناه سرمایه را حدومرزی نیست. سندیکای کارگران شرکت واحد پس از حدود ۱۰ سال از بازگشایی، نه فقط هنوز از طرف حاکمیت به رسمیت شناخته نشده است، بلکه رهبران این تشکل مستقل کارگری، متحمل چندین سال زندان و شکنجه شده‌اند و بسیاری از اعضای این سندیکا به علت فعالیت‌های سندیکایی از کار اخراج شده‌اند. سندیکای کارگران نی‌شکر هفت تپه نیز پس از حدود ۷ سال اعلام موجودیت، مجوزی برای فعالیت‌اش صادر نشده و تقریباً تمام اعضای هیئت‌مدیره آن نیز به خاطر فعالیت‌های کارگری و سندیکایی، به زندان محکوم شده و از کار اخراج شده‌اند. روحانی و ریبری و امثال آن‌ها البته مجازند درجه وقاحت و پرروئی و دروغ‌بافی را تا بینهایت بالا ببرند و مدام دست به عوام‌فریبی بزنند و حتا مثل گویلدروغ‌های بزرگ به‌یافتند. اما آن‌ها به عبث بر این پندارند که با این ترفند‌ها و دروغ‌ها می‌توانند کارگران را فریب دهند. پاسخ دندان‌شکنی که روحانی پس از درخواست از مردم برای صرف نظر کردن از دریافت یارانه نقدی، نه فقط از سوی کارگران بلکه از طرف تمام مردم زحمتکش دریافت نمود، نشان‌دهنده این واقعیت است که فصل کارآئی دروغ و فریب به پایان رسیده است.

مطالبات کارگران در اول ماه مه - خواست‌های کارگری در اول ماه مه که اساساً در بیانیه‌ها و قطعنامه‌های انتشار یافته از سوی تشکل‌های کارگری و تشکل‌های فعالان کارگری انعکاس داشت، عمدتاً همان مطالبات سال گذشته بود با برخی تغییرات جزئی. اول ماه مه فرصتی بود که طبقه کارگر ایران یک بار دیگر مجموعه‌ای از مهم‌ترین مطالبات سیاسی و اقتصادی خود را مطرح سازد و خواستار تحقق آن شود. فشرده این مطالبات به شرح زیر است: حق ایجاد تشکل مستقل کارگری، حق تجمع، اعتصاب و تحزب، آزادی بیان، قلم، عقیده و مطبوعات، آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی، تعطیلی رسمی اول ماه مه، لغو محدودیت و ممنوعیت برگزاری مراسم به این مناسبت، حق شرکت و دخالت تشکل‌های کارگری در تدوین قانون کار، برچیده شدن خانه کارگر شوراهای اسلامی کار، برابری حقوقی کلیه کارگران، مستقل از ملیت، مذهب و جنسیت، لغو مجازات اعدام، لغو سانسور، منع شکنجه، منع کار کودکان، مزد برابر زنان و مردان در برابر کار یکسان، لغو تبعیضات جنسیتی، افزایش دستمزد،

۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیل پی‌درپی در هفته و یک ماه مرخصی سالانه با پرداخت دستمزد، برچیده شدن شرکت‌های پیمانکاری، لغو قراردادهای موقت و سفید امضا، ایمنی شغلی، قرارداد مستقیم و دستجمعی، پرداخت حقوق‌های عقب‌افتاده، پرداخت بیمه بیکاری به همه بیکاران و جویندگان کار، بیمه اجتماعی تمام افراد جامعه، پرداخت مستمری بازنشستگان و تامین زندگی کارگران بازنشسته. اتحاد عمل در اول ماه مه - مطالبات طبقه کارگر ایران و از جمله، مهم‌ترین و محوری‌ترین مطالبات کارگران در مقیاس عمومی و سراسری، مطالباتی یکسان و واحد است که می‌توانست یا می‌تواند در یک بیانیه یا قطعنامه مشترک منسجم و یک‌دست گرد آید و در برابر طبقه سرمایه‌دار حاکم قرار داده شود. اول ماه مه که روز جهانی کارگر و روز اتحاد و همبستگی کارگری‌ست، مناسب‌ترین موضوع اتحاد عمل کارگری‌ست. اما شوربختانه کارگران ایران یا لاقلاً تشکلهای کارگری و تشکلهای فعالان کارگری فعلاً موجود، به عللی که فعلاً جای بحث آن نیست، نه فقط در اول ماه مه، با اتحاد، در عمل فاصله دارند، بلکه حتی از یک اتحاد عمل در عرصه صدور بیانیه یا قطعنامه نیز بدور هستند. به‌رغم این اما برخلاف سال گذشته (۹۲) که جز در یک مورد، بیانیه مشترکی به مناسبت اول ماه مه صادر نشد و اتحاد عملی در این مورد صورت نگرفت، اول ماه سال ۹۳ از این نظر آشکارا گامی به جلو بود. چند بیانیه مشترک به مناسبت اول ماه مه انتشار یافت. اتحاد عمل‌ها در این زمینه گرچه هنوز با اتحاد عمل سال‌های ۸۸ و ۸۹ فاصله دارند، اما گویای نزدیک‌تر شدن تشکلهای موجود به یکدیگر و امیدوار کننده است.

سندیکای کارگران شرکت واحد که در سال ۹۲ و ۹۱ به تنهایی بیانیه داد، امسال بیانیه مشترکی در ۱۳ بند با سه تشکل دیگر؛ سندیکای کارگران فلزکار مکانیک، هیات موسس سندیکای کارگران نقاش و تزئینات و اتحادیه نیروی کار پروژه‌های انتشار داد. البته رضا شهابی عضو برجسته هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد نیز در تاریخ ۹ اردیبهشت ۹۳ از بند ۳۵۰ زندان اوین، بیانیه کوتاهی به مناسبت اول ماه مه صادر کرد و ضمن تاکید بر اتحاد و قدرت طبقه کارگر و تبریک اول ماه مه، کارگران را به اتحاد و مبارزه متحد ترغیب نمود. سندیکای کارگران نی‌شکر هفت‌تپه که سال ۹۱ با سه تشکل و سال ۹۲ با دو تشکل دیگر بیانیه مشترک داده بود، امسال تنها ماند و به سال ۹۰ برگشت. علی‌رغم آن‌که علی‌نجاتی عضو فعال و برجسته هیات مدیره سندیکای کارگران هفت‌تپه اطلاعیه کوتاهی به مناسبت اول ماه مه انتشار داد و کارگران را به اتحاد و مبارزه متحد دعوت کرد و حتی چنین اظهار امیدواری نمود که فعالان و تشکلهای مختلف کارگری، حداقل در زمینه صدور بیانیه مشترک وارد یک اتحاد عمل شوند، اما سرانجام سندیکای کارگران هفت‌تپه، خود به تنهایی اطلاعیه کوتاه و نسبتاً ضعیفی آن هم با تاخیر در مورد اول ماه مه انتشار داد و مشخص نشد که چرا وارد هیچ اتحاد عملی نشد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری به ترکیب سال ۹۱ بازگشت و بیانیه مشترکی در ۱۵ بند با کمیته پی‌گیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری و انجمن برق و فلزکار کرمان‌شاه انتشار داد. کانون مدافعان حقوق کارگر که در طی لاقلاً دو سال اخیر یکی از فعال‌ترین تشکلهای فعالان کارگری بوده است و عمدتاً در اتحاد عمل‌های ۸۸ تا ۹۲ حضور داشته است، متأسفانه امسال به تنهایی بیانیه‌ای در ۱۴ بند صادر نمود.

تجربه اتحاد عمل‌های اول ماه مه گویای این واقعیت است مادام که دو تشکل اصلی و مستقل کارگری یعنی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه و سندیکای کارگران نی‌شکر هفت‌تپه کنار هم هستند، سایر تشکلهای که عمدتاً تشکلهای فعالان کارگری هستند، با این دو تشکل اصلی همراه شده و بیانیه‌های مشترکی داده‌اند (۸۹ و ۸۸). اما از هنگامی که این دو تشکل اصلی در اول ماه مه از هم جدا شدند، در میان تشکلهای همراه این دو نیز شقاق ایجاد شد. برخی با سندیکای کارگران شرکت واحد همراه شدند، برخی با سندیکای کارگران نی‌شکر هفت‌تپه. گاه سندیکای کارگران نی‌شکر هفت‌تپه به تنهایی بیانیه اول ماه صادر کرد (۹۳ و ۹۰)، گاه سندیکای کارگران شرکت واحد (۹۲ و ۹۱) و برخی تشکلهای دیگر نیز حول کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، مستقل از این‌ها طیف سومی بوجود آوردند (۹۳ و ۹۱).

در اتحاد عمل‌های اول ماه مه در سال ۹۳ ما شاهد پدیدار شدن یک اتحاد عمل جدیدی متشکل از ۵ تشکل به نام‌های؛ کارگران پروژه‌های پارس جنوبی، فعالان کارگری جنوب، فعالان کارگری ضدسرمایه‌داری گیلان، جمعی از کارگران پتروشیمی‌های منطقه ماه‌شهر و بندرامام، و بخشی از کارگران محور تهران - کرج هستیم که بیانیه مشترکی در ۲۲ بند به مناسبت اول ماه مه انتشار دادند. نفس پدیدارشدن این اتحاد عمل نیز نشانه مثبتی است از حضور فعال کارگران آگاه و پیشرو در جنبش کارگری و در اتحاد عمل‌های اول ماه مه!

تردیدی در این مساله وجود ندارد که سندیکای کارگران شرکت واحد و سندیکای کارگران نی‌شکر هفت‌تپه، از اعتبار و ثقل بالایی در اتحاد عمل‌های اول ماه مه برخوردار بوده‌اند و کماکان از نقش مهمی که در شکل‌گیری اتحاد عمل‌های بزرگ‌تر داشته‌اند، برخوردار هستند. حضور این دو تشکل مستقل کارگری در کنار هم، بی‌شک نقش محوری و تعیین‌کننده‌ای در اتحاد عمل‌های بزرگ‌تر کارگری دارد. از آنجا که فعالان و رهبران این دو سندیکا خود از جمله‌ی آگاه‌ترین و پیشروترین کارگران هستند، شناسایی موانع اتحاد عمل‌ها، از سر راه برداشتن آن‌ها و برداشتن گام‌های عملی برای سازماندهی اتحاد عمل‌های بزرگ‌تر برعهده این دو تشکل مستقل کارگری است. بدیهی‌ست که این موضوع چیزی از وظایف دیگر کارگران پیشرو و تشکل‌های موجود در شناسایی موانع اتحاد عمل و تلاش برای فائق آمدن بر آن و بالاخره سازماندهی اتحاد عمل‌های بزرگ‌تر در اول ماه مه کم نمی‌کند.

اتحاد عمل‌های اول ماه مه در سال ۹۳ در عرصه صدور بیانیه‌های مشترک گرچه گامی به‌پیش است در مقایسه با سال ۹۲ اما این اتحاد عمل‌ها می‌تواند و باید از سطح کنونی و صدور بیانیه مشترک فراتر رود و به اتحاد عملی در اعتراض و آکسیون مشترک کارگری در اول ماه مه گذر کند. توفیق در این عرصه اما مستلزم تدارک و نقشه قبلی، اتکاء بیش از پیش به توده کارگران و بسیج آن‌ها، سازماندهی و درگیر کردن کارگران به امر خودشان در اول ماه مه است.

نقل از نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) - شماره ۶۶۹ نیمه دوم اردیبهشت ۱۳۹۳